بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[نهی در عبادات 2](#_Toc428376548)

[مرور گذشته 2](#_Toc428376549)

[مبحث پنجم: نهی به‌صورت عام و خاص من وجه 2](#_Toc428376550)

[تفاوت این بحث، با اجتماع امرونهی 2](#_Toc428376551)

[تفاوت نظر ما با مشهور 3](#_Toc428376552)

[نکته: قول نایاب در عامه 3](#_Toc428376553)

[خلاصه بحث 3](#_Toc428376554)

[نهی در معاملات 4](#_Toc428376555)

[مقدمات 4](#_Toc428376556)

[مقدمه اول 4](#_Toc428376557)

# نهی در عبادات

# مرور گذشته

بحث ما در مورد نهی در عبادات بود. در این مورد 5 مبحث را بررسی کردیم. مبحث پنجم در جایی است که نهی به‌طور مستقیم در عبادت نیامده است بلکه به‌صورت عامین من وجه است. در اجتماع امرونهی نیز این امر را ملاحظه کردید.

# مبحث پنجم: نهی به‌صورت عام و خاص من وجه

مباحث قبلی به‌جایی تعلق داشت که دلیل نهی، متوجه عبادت شده است. نهی در کل، جزء، شرط، وصف لازم است. مبحث پنجم این است که نهی بر یک موضوع مستقلی آمده است ولی این امرونهی در یکجایی جمع شدند. مثلاً جایی می‌گوید غصب نکن و جایی می‌گوید صلاة را به‌جا بیاورید.

## تفاوت این بحث، با اجتماع امرونهی

در اینجا دو تفاوت وجود دارد:

1. نهی در عبادات، در این چهار قسم قبلی جاری است. در آنجا اجتماع امرونهی نیست و اختصاصی عبادات است. یعنی در لسان دلیل، نهی بر عبادت رفته است.

2. چهار مورد ارتباطی به امرونهی ندارد. مورد پنجم ارتباط مستقیم با اجتماع امرونهی دارد. در این قسم نگفته است در زمین غصبی نماز نخوان.

در این مبحث، عام و خاص من وجه هستند. یعنی همیشه صلاة با غصب اطلاق ندارد.

در اجتماع امرونهی باید ببینیم که دو امرونهی بر یکجا اجتماع پیدا می‌کنند یا خیر؟ اگر عرض کردیم که در یک مسیر نمی‌روند، چهار وجه سابق بر این مصداق ندارد. مثلاً صلاة و غصب هر کدام مسیر خاص خودشان را دارند. در اینجا نهی در عبادت نیامده است بلکه نهی بر غصب آمده است. امر نیز بر صلاة آمده است.

اگر کسی بگوید نهی و امر حداقل در ترکیب اتحاد با هم جمع می‌شوند، در واقع متعلق نهی و امر در اینجا یکی هستند، در این صورت نهی به عبادت تعلق می‌گیرد.

یکی از مقدماتی که وجود داشت این بود که رابطه امرونهی با بحث عبادت چیست؟ با توجه به مطالب بالا متوجه شدیم این دو با هم در دو محور متفاوت‌اند:

1. نهی در عبادت، همان عموم و خصوص مطلق است که چهار حالت اول بود. این حالات در اجتماع امرونهی بحث نمی‌شود.

2. در قسم پنجم، اجتماع امرونهی اتفاق می‌افتد. و ارتباط این با بحث امرونهی حالت صغری و کبری است. (مقدم و مؤخر است). اگر قائل شدیم که اجتماع جایز است، وارد بحث اینجا نمی‌شویم، ولی اگر گفتیم جایز نیست و نهی مقدم است، این بحث نیاز است.

### تفاوت نظر ما با مشهور

این پنج قسم را بحث کردیم. تفاوت‌هایی که ما با مشهور داشتیم عبارت است از:

یک قول بیان می‌کرد نهی در عبادات موجب فساد است. یک قول می‌گفت که مطلقاً موجب فساد است (این امر مشهور است).

ما بیان می‌کردیم که نهی در عبادات مطلقاً موجب فساد است ولی از لحاظ عقلی،‌ در صورت وجود قرینه موجب فساد نیست. همان‌طور که نهی تنزیهی را با امر قابل‌جمع دانستیم، در اینجا نیز شاید عبادت درست باشد.

مشهور می‌گوید نهی در عبادت مطلقاً باعث بطلان عبادت است. اما ما نمی‌گوییم که محال عقلی نیست ولی ظهورات می‌گوید که موجب فساد است. ما در اینجا شاهد حکم عقلی نیستیم.

#### نکته: قول نایاب در عامه

قولی در روایات وجود دارد که نهی در عبادت موجب فساد نیست بلکه موجب صحت عبادت است. این قول نادری است که بعضی از عامه دارند.

### خلاصه بحث

همان‌طور که عرض کردیم در مبحث موردنظر، دو مقام وجود دارد. مقام اول: نهی در عبادت بود که پنج مبحث را موردبررسی قرار دادیم. مقام دوم نهی در معاملات است.

# نهی در معاملات

در این قسمت بررسی می‌کنیم که آیا نهی در معاملات باعث بطلان معامله می‌شود یا خیر؟ نهی تحریمی در غیر عبادت را موردبحث قرار می‌دهیم. در این مورد نیز باید مقدماتی را بیان کنیم

## مقدمات

### مقدمه اول

در این مقدمه نکاتی وجود دارد:

1. مقصود از نهی در اینجا، نهی تکلیفی تحریمی است. نهی غیر تکلیفی که ارشاد به فساد است، شامل بحث ما نیست. نهی در عبادات، غالباً ارشاد به فساد است اما در معاملات این‌چنین نیست. در جایی که ارشاد به بطلان باشد، بطلان کاملاً واضح است.

2. نکته بعد این است که نهی در اینجا تحریمی است و تنزیهی نیست. اگر نهی تنزیهی باشد، ظهور در فساد و بطلان ندارد بلکه نهی تنزیهی دلالت بر صحت نیز می‌کند.

3. گاهی نهی تکلیفی به نتیجه معامله تعلق می‌گیرد که آن مستلزم فساد است و محل بحث نیست. صحیح بودن یک معامله یعنی خریدار و فروشنده می‌توانند در مال و جنس تصرف شرعی داشته باشند. این کار نتیجه همان صحیح و باطل بودن معامله است. اگر نهی تکلیفی به نتیجه‌ی یک معامله باشد، قطعاً آن معامله باطل است. اگر نهی بر تصرف باشد، حتماً مدلول التزامی آن به دلالت اقتضاء مفید بطلان معامله است. این اقتضا عرفی است و عقلی نیست. اگر می‌گوییم عقلی نیست به این دلیل که بگوییم شما می‌توانی پول را بگیری و یا جنس را ولی تصرف در آن نباید بکنی. این یک امر موهومی است. دلالت اقتضاء یعنی نهی معقول نیست مگر اینکه معامله باطل باشد.

هر کدام از سه قید بالا نباشد، از محل بحث خارج می‌شود.

4. نهی در معامله به چه معنا است. آیا نهی به لفظ، انشاء و ... تعلق می‌گیرد؟ این نکته را در مکاسب مفصلاً بحث کردیم.